

بررسی رابطه بین مدیریت سود، افشای اطلاعات مالی و بحران مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

صهبا ملا زینلی^۱

نینا ملا زینلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه بین مدیریت سود، افشای اطلاعات مالی و بحران مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. این پژوهش از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر روش و ماهیت، از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی و مقایسه ای می باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. بدین منظور اطلاعات شرکت های منتخب در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ جمع آوری شده و برای بررسی فرضیه های پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج به دست آمده حاکی از تأیید تمامی فرضیه های فرعی می باشد. بدین ترتیب که؛ بحرانی مالی شرکت بر مدیریت سود به صورت واقعی در شرکت تاثیر دارد، بحرانی مالی شرکت بر مدیریت سود به صورت ساختگی در شرکت تاثیر دارد، بحرانی مالی شرکت بر افشای اطلاعات در شرکت تاثیر دارد، افشای اطلاعات در شرکت بر مدیریت سود به صورت واقعی تاثیر دارد، افشای اطلاعات در شرکت بر مدیریت سود به صورت ساختگی تاثیر دارد. لذا، فرضیه های اصلی پژوهش نیز تأیید شده و حاکی از آن است که؛ بحران مالی شرکت بر افشای اطلاعات و مدیریت سود شرکت تاثیر دارد. افشای اطلاعات بر مدیریت سود شرکت تاثیر دارد.

واژگان کلیدی

مدیریت سود به صورت واقعی، مدیریت سود به صورت ساختگی، بحران مالی، افشای اطلاعات.

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران (*نویسنده مسئول: Nmz111135@gmail.com)

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

۱. مقدمه

همواره استفاده کنندگان از گزارش های مالی شرکت ها، برای تصمیم گیری در زمینه خرید، فروش، ارزیابی عملکرد مدیران و دیگر تصمیم های اقتصادی مهم، به اطلاعات مالی باکیفیت نیاز دارند. به طور کلی، سرمایه گذاران زمانی در یک واحد اقتصادی سرمایه گذاری می کنند که نخست، درباره آن اطلاعات کافی داشته باشند و دوم، به این اطلاعات اطمینان کنند. از طرفی با توجه به اینکه صورت های مالی، اطلاعات با ارزشی را برای گروههای برون سازمانی فراهم می کند، اتکای شدید بر اعداد حسابداری و به ویژه سود، انگیزه های قدرتمندی را برای مدیران فراهم می کند تا به نفع خودشان اقدام به دستکاری سود کنند. این امر موجب می شود، استفاده کنندگان به اطلاعات غلطی دست یابند و بر اساس آن، تصمیمات نادرستی اتخاذ کنند. با گذشت زمان آنها به تصمیمات اشتباه خود پی برده و در صدد جبران اشتباهات خود برمی آیند که در بسیاری از موارد می تواند منجر به ایجاد و یا تشدید بحرانهای مالی شود. برخی از محققین مدیریت سود را گزارشگری مالی جانبدارانه و همراه با سوءگیری که بر اساس آن مدیران از روی تعمد و با تصمیم قبلی، در فرایند تصمیم گیری مالی مداخله می کنند تا برخی منافع خاص را عاید خود سازند، تعریف میکند. به عقیده این محققین، انگیزه اصلی مدیریت سود، مدیریت تصور سرمایه گذاران از واحد تجاری و ریسک آن می باشد که با عدم افشای اطلاعات صحیح و به موقع به خوبی می توانند تصور سرمایه گذاران را مدیریت نموده و به اهداف خود لاقفل در کوتاه مدت دست یابند. ما در تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخی درخور و علمی برای این پرسش هستیم که: "آیا بین مدیریت سود، افشای اطلاعات مالی و بحران مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد؟"

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۱-۲. بیان جنبه های نظری پژوهش

سرمایه گذاران ارکان اصلی بازارها و نهادهای مالی به شمار می روند و همواره در پی اطلاعاتی هستند که با استفاده از آنها، تصمیم های مناسبی بگیرند. لازمه تصمیم گیری مناسب، وجود اطلاعات شفاف و صحیح است. سود حسابداری یکی از فراگیرترین اطلاعاتی است که سرمایه گذاران همواره به آن توجه می کنند (کرمی و افتخاری، ۱۳۹۲)؛ اما مساله اصلی مطروحه این موضوع است از آن جا که محاسبه سود بنگاه اقتصادی متأثر از روش برآوردی حسابداری است و تهیه صورت های مالی به عهده ی مدیریت واحد تجاری است، ممکن است بنا به دلایل مختلف، مدیریت اقدام به مدیریت سود نماید (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷).

مدیریت سود به عنوان برداشتن گامهای آگاهانه در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری برای آوردن سود گزارش شده به سطح مورد نظر تعریف شده است (پورزمانی و پویان راد، ۱۳۹۰). در واقع مدیریت سود اقدامی آگاهانه و عامدانه جهت کاهش نوسانهای سود گزارش شده در طول دوره های متوالی در حوالی از سطح سود که سطح عادی (نرمال) سود شرکت نامیده می شود تعریف شده است (بائو و همکاران، ۲۰۰۴). هلی و والن (۲۰۰۹) بیان می کنند که مدیریت سود هنگامی رخ می دهد که مدیران از قضاوت های شخصی خود در ساختار گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دست کاری نمایند. این هدف یا به قصد گمراه کردن برخی از صاحبان سود در خصوص

عملکرد اقتصادی شرکت یا تاثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن ها منوط به دستیابی به سود مناسب توسط شرکت است.

به طور کلی، مدیریت سود از دو طریق امکان پذیر است: مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری و مدیریت واقعی سود. مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری بیانگر کوشش و تلاش تعدی آگاهانه مدیریت است که نوسان جریان سود را به طور ساختگی کاهش می دهد که اصطلاحاً دستکاری حسابداری می گویند (ملانظری و کریمی زند، ۱۳۸۶) و مدیریت سود واقعی به تلاش لها و تصمیمات مدیریت اتلاق می گردد که جهت پاسخگویی به شرایط اقتصادی انجام می گیرد که می تواند بر روی جریانات نقدی اثر گذارد (پور زمانی و پویان راد، ۱۳۹۱). شکل اول شامل انتخاب روش های حسابداری مناسب برای دست یابی به سطوح مطلوب و مورد نظر سود (به عبارت دیگر، مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری) است و شکل دوم از زمان بندی و یا میزان تصمیمات عملیاتی برای دستیابی به سود مطلوب و مورد نظر بهره می گیرد (به عبارت دیگر دست کاری فعالیت های واقعی) (بیدل و همکاران، ۲۰۱۰).

در حالت اول مدیریت از طریق دستکاری ارقام تعهدی اختیاری به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می پردازد؛ اما در حالت دو مدیریت با اتخاذ برخی تصمیمات عملیاتی و به عبارت دیگر، دستکاری فعالیت های واقعی با هدف گمراه کردن ذی نفعان به مدیریت واقعی سود روی آورده و به سود مورد نظر خویش دست می یابد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۹).

مطابق مطالعات بین المللی، انگیزه برای مدیریت سود در سال هایی که وضعیت مالی شرکت نامطلوب بوده و نشانه هایی از حرکت به سمت بحران مالی برای مدیر پایدار می شود، به منظور پنهان نمودن عملکرد ضعیف شرکت افزایش می یابد. به این دلیل، ارزش سود به عنوان یکی از مهمترین اهداف گزارشگری عملکرد و تعیین ارزش شرکت که در حقیقت مهمترین اهداف گزارشگری می باشد، مورد تردید واقع شده و اعتبار آن را مخدوش می سازد (ظریف فرد، ۱۳۷۸). در ادبیات مالی واژه های غیر متمایزی برای بحران مالی وجود دارد. برخی از این واژه ها عبارتند از وضع نامطلوب مالی، شکست، عدم موفقیت واحد تجاری، وخامت، ورشکستگی، عدم قدرت پرداخت دیون و غیره (پورزمانی و پویان راد، ۱۳۹۱). در اکثر پژوهش های انجام شده شرکت هایی ورشکسته را شرکتهای دارای بحران مالی قلمداد می کنند (ولی پور و همکاران، ۱۳۹۲). دان و براداستریت اصطلاح شرکتهای ورشکسته را این طور تعریف می کنند: واحدهای تجاری که عملیات خود را به علت واگذاری یا ورشکستگی یا توقف انجام عملیات جاری با زیان توسط بستانکاران متوقف نمایند (حاجیها، ۱۳۸۴).

گارسیا لارا و همکاران (۲۰۰۹) با بررسی نمونه ای بزرگ از شرکت های ورشکسته انگلیسی، به شواهدی دست یافتند که نشان دهنده دستکاری ارقام تعهدی و فعالیت های واقعی توسط چنین شرکت هایی بود. برخی از پژوهش های حسابداری نشان داده اند که مدیران شرکت ها در شرایط بحران مالی، مایل به انتقال اطلاعات و اخبار خوب به بازار سرمایه هستند تا بدین وسیله، از کاهش ارزش شرکت جلوگیری نمایند (بیدل و همکاران، ۲۰۱۰).

از طرف دیگر عدم تقارن اطلاعاتی به تناسب افزایش سطح افشای شرکتی، کاهش می یابد. افشاء اطلاعات شرکت ارسال اطلاعات به سازمان و انتشار عمومی و به موقع اطلاعات مطابق ضوابط دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات سازمان بورس و اوراق بهادار تهران است اصل افشا ایجاب می کند که کلیه واقعیات های با اهمیت مربوط به رویدادها و فعالیت های مالی واحد تجاری به شکل کامل و مناسب گزارش شود (خدای پور و همکاران، ۱۳۹۲). لانگ لاند هم (۱۹۹۶) شواهدی را

ارائه کرده اند که نشان می دهد شرکت هایی که دارای سیاست افشای آگاهی بخش هستند از تحلیل گران پیرو بیشتر، سودهای پیش بینی شده صحیح تر، پراکندگی کمتر در پیش بینی های تحلیل گران و نوسان های کمتری در پیش بینی های اصلاح شده برخوردار می باشند. اگر پراکندگی کمتر میان پیش بینی های تحلیل گران معیار معتبری برای تقارن اطلاعاتی باشد، این نتایج حاکی از آن است که سیاست افشای آگاهی بخش از عدم تقارن اطلاعاتی می کاهد. در واقع هر چه شفافیت و افشا کیفیت بیشتری داشته باشد، اطلاعات بهتری در خصوص نحوه اداره شرکت در اختیار ذی نفعان قرار می گیرد (خدای پور و همکاران، ۱۳۹۲) و بهبود کیفیت افشای شرکت، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را در پی دارد و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، مدیریت سود کمتر را به همراه می آورد (نوروش و حسینی، ۱۳۸۸). با توجه به موارد مذکور پژوهش حاضر به بررسی تجربی این موضوع می پردازد که آیا میزان شفافیت و افشا اطلاعات، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعات و در نهایت موجب کاهش مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می شود و آیا بحران های مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر مدیریت سود و کیفیت افشای اطلاعات آنها تاثیر گذار است؟

۲-۲. پیشینه پژوهش

۲-۲-۱- پیشینه پژوهش داخلی

پور زمانی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه ای با عنوان ارتباط بین مدیریت سود و ناتوانی مالی شرکتها، به بررسی ارتباط بین ناتوانی مالی شرکتها (ورشکستگی) و مدیریت سود که به ترتیب از موضوعات اصلی طبقه بندی شرکتها و دستکاری در حسابها می باشد را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش هموارسازی سود را به عنوان بخشی از مدیریت سود به دو بخش واقعی و ساختگی تقسیم بندی نموده و ارتباط هر یک را جداگانه در سه سطح سود (ناویژه، عملیاتی و ویژه) با وضعیت شرکتها مورد آزمون قرار دادند. در پژوهش حاضر از داده های ۳۳ شرکت ورشکسته (مشمول ماده ۱۴۱ قانون ۱۳۸۰ استفاده - تجارت) و ۳۳ شرکت غیر ورشکسته فعال در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۷ فرضیه های پژوهش از طریق آزمونهای آماری t و و رگرسیون لجستیک آزمون شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین متغیرهای پژوهش در هموارسازی واقعی سود یک همبستگی نسبتاً قوی و هم جهت وجود دارد و در ارتباط با هموارسازی ساختگی سود ارتباط معناداری بین متغیرهای پژوهش مشاهده نشد

کرمی و افتخاری (۱۳۹۲) در مطالعه ای با عنوان به بررسی برخی معیارهای کیفیت سود حسابداری در چرخه های تجاری به رابطه میان برخی معیارهای کیفیت سود حسابداری و وضعیت کلی اقتصاد در بین سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ پرداختند. بر مبنای نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون و آزمون فرضیه ها، مشاهده شد که وضعیت اقتصادی بر واکنش سرمایه گذاران به سود حسابداری تاثیر می گذارد؛ به گونه ای که این واکنش به سود، در دوره رکود نسبت به دوره رونق بیشتر است. همچنین وضعیت اقتصادی بر پایداری سود تاثیر می گذارد؛ به طوری که پایداری سود در دوره رونق نسبت به دوره رکود کمتر است.

خدای پور و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه ای با عنوان اثر کیفیت افشا بر انواع مدیریت سود، اثر سطح کیفی افشا را بر انواع مدیریت سود در شرکتها مورد بررسی قرار دادند. در این راستا در این پژوهش برای ارزیابی سطح کیفی افشا از معیار

کیفیت شفافیت و افشای موسسه استاندارد اند پورز با انجام تعدیلاتی استفاده شده است. نتایج پژوهش با استفاده از الگوی رگرسیون چند متغیره و روش داده های تابلویی، بیانگر رابطه معنادار و منفی بین سطح کیفی افشا و مدیریت سود اقلام تعهدی و واقعی سود است. همچنین نتایج با استفاده از الگوی رگرسیون لاجیت، بیانگر رابطه معنادار منفی بین مدیریت کلی سود و سطح کیفی افشا است.

رحمانی (۱۳۹۳) در مطالعه ای با عنوان ارتباط بین مدیریت سود و نوع گزارش حسابرس در شرکتهای دارای بحران مالی به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و نوع گزارش حسابرسی در شرکتهای دارای بحران مالی و مقایسه نتیجه این ارتباط با شرکتهای بدون بحران مالی می پردازد. نتایج فرضیه های پژوهش بوسیله مدل آماری داده های ترکیبی مبتنی بر لجستیک بدین شرح می باشد: بین دو متغیر مدیریت سود و نوع گزارش حسابرس رابطه مثبتی وجود دارد یعنی با افزایش اقلام تعهدی اختیاری گزارشات حسابرسی بیشتر به سمت مشروط شدن سوق پیدا میکند. فرضیه دوم پژوهش مبتنی بر وجود رابطه بین بحران مالی و نوع گزارش حسابرس تایید گردید. نوع رابطه مثبت بوده و نشان می دهد شرکت های دارای بحران مالی اغلب گزارشات حسابرسی مشروط دریافت می کنند. فرضیه سوم پژوهش مبنی بر قوی تر بودن ارتباط بین مدیریت سود و نوع گزارش حسابرسی در شرکت های دارای بحران مالی نسبت به شرکت های بدون بحران مالی تایید گردید؛ بنابراین مطابق با نتایج بدست آمده و مورد انتظار می توان گفت وجود بحران مالی در شرکت ها باعث می شود تا مدیران با توجه به انگیزه هایی از قبیل حفظ سرمایه گذاران و جایگاه خود اقدام به مدیریت سود می کنند؛ به عبارت دیگر بحران مالی باعث مدیریت سود می گردد و با افزایش مدیریت سود گزارشات به سمت مشروط شدن سوق پیدامی کنند.

خسروی زادبند (۱۳۹۳) در مطالعه ای به بررسی رابطه افشای اختیاری، کیفیت گزارشگری مالی و سودآوری در نمونه ای مورد مطالعه از شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (جامعه آماری) پرداخت. بر اساس تحلیل آماری صورت پذیرفته در هر یک از مدل ها، نتایج حاصل از فرضیه ها در سطح خطای پنج درصد نشان داد: بین سطح افشای اختیاری و سود آوری شرکت ها (سود عملیاتی شرکت ها) رابطه معنی داری وجود دارد. بین سطح افشای اختیاری و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد. در شرکتهای با کیفیت گزارشگری بالا بین سود و افشای اختیاری اطلاعات رابطه معنی داری وجود ندارد.

سلیمی (۱۳۹۳) در مطالعه ای با عنوان تاثیر شفافیت گزارش های مالی بر کیفیت سود به بررسی رابطه بین برخی مولفه های شفافیت با کیفیت سودهای گزارش شده در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. در این پژوهش تعداد ۱۰۶ شرکت از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره ۵ ساله از سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه ی حاصل از فرضیات بیان می کند بین کیفیت سود با شفافیت در خصوص ساختار مالکیت و حقوق مالکان، افشای اطلاعات مالی و ساختار هیات مدیره رابطه ی معنادار و مثبتی وجود دارد. در واقع هر سه فرضیه ی این پژوهش تایید گردیده است.

ولی پور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان "بررسی تأثیر سطح افشای اختیاری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" تحقیق حاضر به دنبال بررسی تأثیر سطح افشای اختیاری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری به خصوص سود و ارزش دفتری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس

اوراق بهادار تهران می پردازد. نتایج مدل‌های قیمت و بازده، حاکی از آن است که سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم از عوامل مؤثر در ارزشگذاری شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران در دوره مورد مطالعه هستند. سایر نتایج مدل قیمت حاکی از آن است که با افزایش سطح افشای اختیاری، مربوط بودن و محتوای اطلاعاتی ارزش دفتری هر سهم افزایش یافته است. از طرفی در مدل بازده، محتوای اطلاعاتی سود هر سهم در تمام سطوح افشای اختیاری اطلاعات یکسان بوده است.

محکمی (۱۳۹۴) در پایان نامه خود با عنوان "مکانیسم‌های ساختار حاکمیت شرکتی (راهبری شرکتی) و ورشکستگی" به بررسی ارتباط بین ساختار حاکمیت شرکتی و ورشکستگی در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. در این پایان نامه مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب شدند و با استفاده از روش حذف سیستماتیک نمونه ای به تعداد ۱۲۴ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شد و از طریق رگرسیون لاجیت مدل پایان نامه مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پایان نامه نشان می دهد که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی در کاهش احتمال ورشکستگی شرکتها موثر می باشد بطوریکه استقلال هیئت مدیره و مالکیت نهادی و کمیته حسابرسی داخلی در کاهش احتمال ورشکستگی شرکت نقش موثر داشته اند همچنین وجود مدیر با وظیفه دو گانه و داشتن حسابرسی با نظر مشروط، احتمال ورشکستگی را افزایش می دهد.

۲-۲-۲- پیشینه پژوهش خارجی

سانجایا و یانگ (۲۰۱۲) در مطالعه ای با عنوان افشای اطلاعات و مدیریت سود در بانکهای عضو بورس اوراق بهادار اندونزی به بررسی تجربی افشای اطلاعات و مدیریت سود در بانکهای که عضو بورس اوراق بهادار تهران هستند می پردازند (۱۴۵ بانک). در این پژوهش برای بررسی رابطه افشای اطلاعات و مدیریت سود از رگرسیون چند گانه استفاده کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که در شرکت‌های مورد بررسی افزایش افشای اطلاعات مدیریت سود را کاهش می دهد و بنابراین شاخص افشای اطلاعات برای استفاده کنندگان از صورتهای مالی بسیار مهم می باشد.

پوروانتی و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه ای با عنوان تاثیر مدیریت سود و افشای اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی به طور تجربی به رابطه مدیریت سود و افشا اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی در ۳۷ شرکت ساختمانی عضو بورس اوراق بهادار اندونزی می پردازد. در این پژوهش مدیریت سود با ارقام تعهدی سرمایه در گردش اندازه گیری می شود. افشای اطلاعات با شاخص افشای دواطبان اطلاعات و عدم تقارن اطلاعات با شاخص بازده غیر عادی. در این پژوهش برای بررسی فرضیه ها از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شد. مطابق نتایج این پژوهش مدیریت سود به تنهایی بر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر نمی گذارد. افشای اطلاعات اثر قابل توجه منفی بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد و تاثیر همزمان مدیریت سود و افشای اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی ۷۸٪ می باشد.

هرمن و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و ویژگی های سود پیش بینی شده توسط تحلیلگران پرداختند. نتایج آنان حاکی از این مطلب بود که تخصص مالی حسابداری اعضای کمیته حسابرسی با دو ویژگی پیش بینی سود تحلیلگران یعنی؛ صحت بیشتر پیش بینی سود پراکندگی کمتر پیش بینی ها، دارای

ارتباطی معنادار است؛ اما برای تخصص مالی غیر حسابداری نتایجی مبنی بر وجود رابطه معنادار با سود پیش بینی شده مشاهده نشد.

بنک‌هچ و پلنبرگ (۲۰۱۴) تأثیر سطح افشای اختیاری را بر رابطه بین بازده جاری و سود آتی در شرکت های انمارکی مورد آزمون قرار دادند. آنها دریافتند که در شرکتهای با سطح افشای اختیاری بالاتر، رابطه بین بازده سهام و سود آتی نسبت به شرکت های دارای سطح افشای اختیاری پایینتر، بیشتر است. بر خلاف پیشبینی آنها و یافته های تحقیق لاندهلمز و میرز (۲۰۰۲) نتایج نشان داد که افزایش افشای اختیاری موجب قویتر شدن رابطه بین بازده سهام و سود آتی در شرکت های مورد بررسی نمی شود.

هاتن و استاکن (۲۰۱۴) ویژگی های پیش بینی های مثبت شده شرکت و چگونگی تأثیر دقت پیش بینی های سود قبلی را در پاسخ سرمایه گذاران به پیش بینی سود آینده را مورد بررسی قرار دادند. آن ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رفتار پیش بینی های قبلی شرکت اجازه می دهد تا برای پیش بینی ها اعتبار و شهرت ایجاد شود.

فلیپ و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله ای با عنوان رابطه مدیریت سود و بحران مالی (شواهدی از اروپا) تأثیر بحرانهای مالی سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ را بر روی رفتار مدیریت سود شرکتهای اروپایی مورد بررسی قرار می دهند. آنها با بررسی ۱۶ کشور مورد بررسی به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود با بحران مالی در ارتباط است. البته مطابق این مطالعه ویژگی ملی و نیروهای بازار شرکتهای بر شدت این رابطه تأثیر می گذارد.

کیاتیکولواتانا (۲۰۱۴) در مقاله ای با عنوان مدیریت سود و افشای اطلاعات گزارش مالی به این با بررسی شرکتهای عضو بورس تایلند به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود ساختگی و واقعی رابطه ای با افشای اطلاعات در جامعه مورد بررسی ندارد.

امیما و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله ای که ارزش و اعتبار افشای اجباری و اختیاری را در بازار سرمایه مورد آزمون قرار میداد به این نتیجه رسیدند که بعد از کنترل متغیرهایی مانند اندازه و سودآوری شرکت، افشای اجباری رابطه منفی و معناداری با ارزش مؤسسات دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که افشای اختیاری هرچند ارتباط مثبتی با ارزش مؤسسات دارد ولی این رابطه معنادار نیست.

دیمیتراس (۲۰۱۵) در مطالعه ای با عنوان بحران مالی، تولید ناخالص داخلی و مدیریت سود در اروپا به بررسی تأثیر بحرانهای مالی و میزان تولید ناخالص داخلی بر مدیریت سود در شرکتهای اروپایی می پردازد. در این پژوهش برای بررسی مدیریت سود از اقلام تعهدی اختیاری استفاده نموده است. مطابق نتایج این پژوهش در شرکت های یونانی و اسپانیایی با کاهش درآمد و رکود اقتصادی به مدیریت سود بیشتری در شرکت ها انجام می شود و اما در کشورهای پرتغال، ایرلند و ایتالیا این نتیجه صدق نمی کند.

میگلانی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان "ساختار حاکمیت شرکتی داوطلبانه و بحران مالی: مطالعه موردی کشور استرالیا" به بررسی نقش انتخاب انتساب داوطلبانه به مکانسیم های حاکمیت شرکتی در کاهش وضعیت بحران مالی

کشورها پرداختند. با استفاده از یک نمونه از ۱۷۱ شرکت که دچار بحران مالی شده اند و ۱۰۶ شرکت سالم و فاقد بحران استرالیایی طی یک دوره ۵ ساله قبل معرفی مقررات شورای نظارتی ASX در سال ۲۰۰۳ دریافتند که پشتیبانی برای بحث هایی که نیازمند مکانسیم های حاکمیت شرکتی هستند برای شرکت ها مفید هستند، همانطور که احتمال روبه کاهش بحران مالی را به دنبال دارد. به ویژه سطوح بالاتر مدیران و مالکان، صاحبان سهامیک کمیته حسابرسی مجزا با احتمال بحران مالی پایین تری همراه هستند چرا که بنیه ی مالی آنها قوی تر و احتمال شکست آنها به مراتب پایین تر است. همچنین دریافتیم که شواهد انتخاب داوطلبانه ساختارهای مالکیت شرکتی ویژه منجر به پایین آمدن سطوح بحران مالی می شود. در عوض تشخیص بحران مالی به اصلاح و فرم ساختاری حاکمیت شرکتی می انجامد.

۲-۳. فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش

بحران مالی شرکت بر افشای اطلاعات و مدیریت سود شرکت تاثیر دارد.

افشای اطلاعات بر مدیریت سود شرکت تاثیر دارد.

فرضیه های فرعی پژوهش

۱- بحرانی مالی شرکت بر مدیریت سود به صورت واقعی در شرکت تاثیر دارد.

۲- بحرانی مالی شرکت بر مدیریت سود به صورت ساختگی در شرکت تاثیر دارد.

۳- بحرانی مالی شرکت بر افشای اطلاعات در شرکت تاثیر دارد.

۴- افشای اطلاعات در شرکت بر مدیریت سود به صورت واقعی در شرکت تاثیر دارد.

۵- افشای اطلاعات در شرکت بر مدیریت سود به صورت ساختگی در شرکت تاثیر دارد.

۳. روش شناسی پژوهش

۳-۱. روش پژوهش و شیوه گردآوری داده های پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر روش و ماهیت، از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی و مقایسه ای می باشد. به این معنی که به بررسی وجود رابطه و همبستگی بین متغیرها از طریق رگرسیون پرداخته شده و مدیریت سود و افشای اطلاعات میان شرکت های دارای بحران مالی و فاقد بحران مالی مورد مقایسه قرار می گیرد. این پژوهش مبتنی بر استفاده ترکیبی از داده های سری زمانی و مقطعی است. داده های مقطعی و سری زمانی ساده یا ترکیبی از آنها با یک رگرسیون معمولی و با روش حداقل مربعات معمولی یا سایر روش ها تخمین زده می شود؛ اما در اینجا ماهیت داده های ترکیبی به گونه ای است که حاوی نکات و مفاهیم بیشتری هستند و تحلیل های بیشتری را ارایه می نمایند. به هر حال، داده های ترکیبی از یک طرف تغییرات زمانی را نشان می دهند و از طرف دیگر تغییرات درون مقطعی یا درون گروهی یا فردی را نیز منعکس می کنند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه پژوهش از مدل پنل استفاده خواهد شد.

۳-۲. جامعه آماری پژوهش و شرایط غربال آن

جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. برای انجام مراحل آماری پژوهش از نمونه گیری به روش حذف سیستماتیک استفاده شده و یک نمونه ۱۰۴ تایی شامل شرکت هایی که دارای شرایط زیر باشد استفاده شده است؛

۱- شرکت هایی که در بازه زمانی مورد بررسی در بورس فعال بوده باشند.

۲- شرکت هایی که داده ها و اطلاعات آنها موجود باشد.

۳-۳. مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی فرضیه های پژوهش مدل های پژوهش به صورت زیر معرفی می شود؛ با بررسی فرضیه های فرعی پژوهش فرضیه های اصلی پژوهش نیز مورد آزمون قرار می گیرند. مدل شماره ۱ به منظور بررسی فرضیه فرعی اول، مدل شماره ۲ به منظور بررسی فرضیه فرعی دوم و ... (کیاتیکولواتانا، ۲۰۱۴).

$$EM1_{it} = \alpha + \beta FC_{it} \quad (1)$$

$$EM2_{it} = \alpha + \beta FC_{it} \quad (2)$$

$$FID_{it} = \alpha + \beta FC_{it} \quad (3)$$

$$EM1_{it} = \alpha + \beta FID_{it} \quad (4)$$

$$EM2_{it} = \alpha + \beta FID_{it} \quad (5)$$

لازم به ذکر است که در مدل های کمی فوق EM1 مدیریت سود واقعی، EM2 مدیریت سود به صورت ساختگی، FID افشای اطلاعات شرکت، FC بحرانی مالی شرکت می باشد. α عرض از مبدا، رگرسیون و β شیب رگرسیون برای هر یک از متغیرهای مستقل می باشد. در این رابطه t تعداد شرکتها و i سالهای مورد بررسی می باشد.

متغیرهای پژوهش در قالب دو دسته متغیرهای وابسته و مستقل دسته بندی شده اند.

متغیر مستقل پژوهش بحران مالی شرکتها است و متغیرهای وابسته پژوهش نیز افشای اطلاعات شرکت، مدیریت سود واقعی و مدیریت سود به صورت ساختگی می باشند.

۴. یافته‌های پژوهش

جدول (۱) نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی اول برای شرکت های فاقد بحران مالی

$EM1_{it} = \alpha + \beta FC_{it}$ (1)					
نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
عرض از مبدأ	C	۱۰,۰۱	۱,۲۰	۸,۲۹	۰,۰۰۰۰
بحران مالی	FC	۰,۲۸	۰,۰۵	۵,۰۹	۰,۰۰۴۰
ضریب تعیین		۰,۸۳	آماره F	۴۲,۱	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۸۲	احتمال آماره F	۰,۰۰۰۰	
آماره دوربین واتسون: ۱,۸۶					

جدول (۲) نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی اول برای شرکت های دارای بحران مالی

$EM1_{it} = \alpha + \beta FC_{it}$ (1)					
نام متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
عرض از مبدأ	C	۸,۰۱	۲,۳۶	۳,۴۱۵	۰,۰۰۰۰
بحران مالی	FC	۰,۳۹	۰,۱۶	۲,۴۳	۰,۰۲۳۰
ضریب تعیین		۰,۸۲	آماره F	۳۵,۱۵	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۸۱	احتمال آماره F	۰,۰۰۰۰	
آماره دوربین واتسون: ۱,۷۵					

با توجه به مقدار p-value به دست آمده در دو جدول برای آماره F که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون است برابر با صفر می‌باشد ($p\text{-value} \leq 0.05$)، فرض H_0 رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون، به طور همزمان صفر نیستند و مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد.

مقدار R^2 در جدول شرکت های فاقد بحران مالی برابر ۰,۸۲ می‌باشد که نشان می‌دهد ۸۲ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می‌شود؛ به عبارت دیگر ۸۲ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل است. مقدار R^2 در جدول شرکت های دارای بحران مالی برابر ۰,۸۱ می‌باشد.

در پژوهش حاضر از آماره دوربین-واتسون برای تشخیص وجود و یا عدم وجود خودهمبستگی استفاده شده است. اگر این مقدار حدود ۲ باشد، خود همبستگی وجود ندارد ($۱,۵ < WD < ۲,۵$). همانطور که در جداول مشاهده می‌شود، آماره دوربین واتسون نیز حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین اجزاء باقیمانده در هر دو مدل می‌باشد.

یافته ها حاکی از آن است که بحران مالی در شرکت های فاقد بحران و دارای بحران تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود به صورت واقعی دارد.

جدول (۳) نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی دوم برای شرکت های فاقد بحران مالی

$EM2_{it} = \alpha + \beta FC_{it}$ (2)					
نام متغیر	نماد	ضرر	انحراف استاندارد	آماره	p-value
عرض از مبدأ	C	۰,۷	۰,۵۰	۱,۴۴	۰,۱۵۱۲
بحرانی مالی	FC	۰,۲	۰,۰۵	۵,۳۱	۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰,۸۵		آماره F		۱۵,۱۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۸۴		احتمال آماره F		۰,۰۰۰۰
آماره دوربین واتسون: ۱,۸۹					

جدول (۴) نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی دوم برای شرکت های دارای بحران مالی

$EM2_{it} = \alpha + \beta FC_{it}$ (2)					
نام متغیر	نماد	ضرر	انحراف استاندارد	آماره	p-value
عرض از مبدأ	C	۰,۳	۰,۴۰	۰,۹۷	۰,۳۶۵۲
بحرانی مالی	FC	۱,۳	۰,۲۱	۶,۲۳	۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰,۷۹		آماره F		۲۰,۳۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۷۸		احتمال آماره F		۰,۰۰۰۰
آماره دوربین واتسون: ۱,۶۲					

با توجه به مقدار p-value به دست آمده برای آماره F که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون است برابر با صفر می‌باشد (p-value ≤ 0.05)، فرض H0 رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون، به طور همزمان صفر نیستند و مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد.

مقدار R2 مدل شرکت های فاقد بحران مالی برابر ۰,۸۴ و ۰,۷۸ می‌باشد که نشان می‌دهد به ترتیب ۸۴ و ۷۸ درصد تغییرات متغیر وابسته در شرکت های فاقد بحران مالی و دارای بحران مالی توسط متغیرهای مستقل تشریح می‌شود؛ به عبارت دیگر ۸۴ و ۷۸ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل است.

در پژوهش حاضر از آماره دوربین- واتسون برای تشخیص وجود و یا عدم وجود خودهمبستگی استفاده شده است. اگر این مقدار حدود ۲ باشد، خود همبستگی وجود ندارد (۲,۵ < WD < ۱,۵). همانطور که در جدول مشاهده می‌شود،

آماره دورین واتسون برای این فرضیه حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین اجزاء باقیمانده ها می باشد. نتایج حاکی از آن است که بحران مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر مدیریت سود به صورت ساختگی در شرکت های فاقد بحران مالی و شرکت های دارای بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول (۵) نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی سوم برای شرکت های فاقد بحران مالی

$FID_{it} = \alpha + \beta FC_{it}$ (3)					
نام متغیر	نماد	ضر	انحراف استاندارد	آمار	p-value
عرض از مبدأ	C	۱۱٫	۳٫۵۶	۳٫۱۹	۰٫۰۰۱۵
بحرانی مالی	FC	۰٫	۰٫۰۰۴	۸٫۲۸	۰٫۰۰۰۰
ضریب تعیین		۰٫۸۹	آماره F	۲۶٫۱۸	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰٫۸۸	احتمال آماره F	۰٫۰۰۰۰	
آماره دورین واتسون: ۲٫۱۲					

جدول (۶) نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی سوم برای شرکت های دارای بحران مالی

$FID_{it} = \alpha + \beta FC_{it}$ (3)					
نام متغیر	نماد	ضر	انحراف استاندارد	آمار	p-value
عرض از مبدأ	C	۹٫۳	۵٫۵۸	۱٫۶۸	۰٫۰۷۰۵
بحرانی مالی	FC	۰٫۶	۰٫۲۲	۲٫۸۸	۰٫۰۴۱۰
ضریب تعیین		۰٫۸۹	آماره F	۲۱٫۰۹	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰٫۸۸	احتمال آماره F	۰٫۰۰۰۰	
آماره دورین واتسون: ۱٫۹۹					

با توجه به مقدار p-value به دست آمده برای آماره F که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون است برابر با صفر می باشد ($p\text{-value} \leq 0.05$)، فرض H_0 رد می شود و این نشان می دهد که تمامی ضرایب رگرسیون، به طور همزمان صفر نیستند و مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می باشد بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد.

مقدار R^2 هر دو مدل برابر ۰٫۸۹ می باشد که نشان می دهد ۸۹ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می شود؛ به عبارت دیگر ۸۹ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل است.

در پژوهش حاضر از آماره دورین- واتسون برای تشخیص وجود و یا عدم وجود خودهمبستگی استفاده شده است. اگر این مقدار حدود ۲ باشد، خود همبستگی وجود ندارد ($1,5 < WD < 2,5$). همانطور که در جدول مشاهده می شود، آماره دورین واتسون نیز حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین اجزاء باقیمانده در این مدل می باشد. نتایج حاکی از آن است که متغیر بحران مالی بر افشای اطلاعات تأثیر منفی و معناداری دارد. ضرائب به دست آمده نشان می دهد که میزان اثرگذاری بحران مالی بر افشای اطلاعات در شرکت های فاقد بحران برابر $0,04-$ و این ضریب در شرکت های دارای بحران برابر $0,64-$ می باشد. لذا فرضیه فرعی سوم پژوهش پذیرفته می شود.

جدول (۷) نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی چهارم برای شرکت های فاقد بحران مالی

$EM1_{it} = \alpha + \beta FID_{it}$ (4)					
نام متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آمار	p-value
عرض از مبدأ	C	۱۱,۱	۳,۶۹	۳,۰	۰,۰۰۰۶
افشای اطلاعات	FID	۰,۴۴	۰,۱۱	۳,۷	۰,۰۰۲۱
ضریب تعیین		۰,۸۶	آماره F	۱۶,۵۹	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۸۵	احتمال آماره F	۰,۰۰۰۰	
آماره دورین واتسون: ۱,۷۸					

جدول (۸) نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی چهارم برای شرکت های دارای بحران مالی

$EM1_{it} = \alpha + \beta FID_{it}$ (4)					
نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
عرض از مبدأ	C	۰,۱	۰,۰۱	۷,۱۱	۰,۰۰۰۰
افشای اطلاعات	FID	۰,۳	۰,۲۸	۱,۱۹	۰,۳۱۰۱
ضریب تعیین		۰,۸۷	آماره F	۱۳,۶۹	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۸۶	احتمال آماره F	۰,۰۰۲۸	
آماره دورین واتسون: ۱,۷۵					

با توجه به مقدار p-value به دست آمده برای آماره F که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون است برابر با صفر می باشد ($p\text{-value} \leq 0.05$)، فرض H_0 رد می شود و این نشان می دهد که تمامی ضرایب رگرسیون، به طور همزمان

صفر نیستند و مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می باشد بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد.

مقدار R2 مدل ها برابر ۰,۸۶ و ۰,۸۷ می باشد که نشان می دهد ۸۶ و ۸۷ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می شود؛ به عبارت دیگر ۸۶ و ۸۷ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل است. در پژوهش حاضر از آماره دورین - واتسون برای تشخیص وجود و یا عدم وجود خودهمبستگی استفاده شده است. اگر این مقدار حدود ۲ باشد، خود همبستگی وجود ندارد ($1,5 < WD < 2,5$). همانطور که در جدول مشاهده می شود، آماره دورین واتسون برای این فرضیه حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین اجزاء باقیمانده می باشد. نتایج حاکی از آن است که در شرکت های فاقد بحران مالی افشای اطلاعات تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود به صورت واقعی دارد اما در شرکت های دارای بحران مالی، افشای اطلاعات تأثیر معناداری بر مدیریت سود به صورت واقعی ندارد.

جدول (۹) نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه فرعی پنجم برای شرکت های فاقد بحران مالی

$EM2_{it} = \alpha + \beta FID_{it}$ (5)					
نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
عرض از مبدأ	C	-۱۴,۳۸	۲,۰۳۹	۷,۰۵	۰,۰۰۰۰
افشای اطلاعات	FID	-۰,۳۲	۰,۱۱	-۲,۹	۰,۰۰۱۰
ضریب تعیین		۰,۸۶		آماره F	۲۱,۹
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۸۶		احتمال آماره F	۰,۰۰
آماره دورین واتسون: ۲,۰۴					

جدول (۱۰) نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه فرعی پنجم برای شرکت های دارای بحران مالی

$EM2_{it} = \alpha + \beta FID_{it}$ (5)					
نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
عرض از مبدأ	C	-۹,۷۱	۱,۴۴	-۶,۷۱	۰,۰۰۰۰
افشای اطلاعات	FID	-۰,۵۳	۰,۱۳	-۳,۸۳	۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین		۰,۸۴		آماره F	۳۳,۸۱
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۸۳		احتمال آماره F	۰,۰۰۰۰
آماره دورین واتسون: ۱,۷۹					

با توجه به مقدار p-value به دست آمده برای آماره F که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون است برابر با صفر می باشد ($p\text{-value} \leq 0.05$)، فرض H_0 رد می شود و این نشان می دهد که تمامی ضرایب رگرسیون، به طور همزمان صفر نیستند و مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می باشد بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد.

مقدار R^2 مدل برابر ۰,۸۶ و ۰,۸۴ می باشد که نشان می دهد ۸۶ و ۸۴ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می شود؛ به عبارت دیگر ۸۶ و ۸۴ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل است. در پژوهش حاضر از آماره دوربین- واتسون برای تشخیص وجود و یا عدم وجود خودهمبستگی استفاده شده است. اگر این مقدار حدود ۲ باشد، خود همبستگی وجود ندارد ($2,5 < WD < 1,5$). همانطور که در جدول مشاهده می شود، آماره دوربین واتسون برای این فرضیه حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین اجزاء باقیمانده می باشد. نتایج حاکی از آن است که افشای اطلاعات تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود به صورت ساختگی دارد. ضرائب به دست آمده نشان می دهد که میزان اثرگذاری افشای اطلاعات بر مدیریت سود به صورت ساختگی در شرکت های فاقد بحران برابر ۰,۳۲ و این ضریب در شرکت های دارای بحران برابر ۰,۵۳ می باشد. لذا فرضیه فرعی پنجم پژوهش پذیرفته می شود.

۵. بحث و نتیجه گیری پژوهش

فرضیه فرعی اول بیانگر این بود که ایا بحرانی مالی شرکت بر مدیریت سود به صورت واقعی در شرکت تاثیر دارد. نتایج حاکی از تأیید فرضیه فرعی اول می باشد. نتایج بدست آمده از بررسی این فرضیه با نتایج رحمانی (۱۳۹۳) و پور زمانی و همکاران (۱۳۹۱) و دیمیتراس (۲۰۱۵) و فلیپ و همکاران (۲۰۱۴) سازگار است.

فرضیه فرعی اول بیانگر این بود که ایا «بحرانی مالی شرکت بر مدیریت سود به صورت ساختگی در شرکت تاثیر دارد». فرضیه فرعی دوم نیز طبق نتایج حاصله تأیید می شود. نتیجه به دست آمده با یافته های دیمیتراس (۲۰۱۵) و رحمانی (۱۳۹۳) سازگار است.

فرضیه فرعی سوم بیانگر این بود که ایا: «بحرانی مالی شرکت بر افشای اطلاعات در شرکت تاثیر دارد». خروجی های مربوطه حاکی از تأیید فرضیه فرعی سوم می باشد. نتایج به دست آمده از بررسی این فرضیه نیز با یافته های کیاتیکولواتانا (۲۰۱۴) و رسز (۲۰۰۳) و ولی پور و همکاران (۱۳۹۲) سازگار است.

فرضیه فرعی چهارم فرضیه فرعی اول بیانگر این بود که آیا: «افشای اطلاعات در شرکت بر مدیریت سود به صورت واقعی در شرکت تاثیر دارد». نتایج حاصله حاکی از تأیید فرضیه فرعی چهارم می باشد. نتایج به دست آمده از بررسی این فرضیه با نتایج حاصله توسط خدای پور و همکاران (۱۳۹۲) و خسروی زابدند (۱۳۹۳) سازگاری دارد.

فرضیه فرعی پنجم فرضیه فرعی اول بیانگر این بود که ایا: «افشای اطلاعات در شرکت بر مدیریت سود به صورت ساختگی در شرکت تاثیر دارد». طبق نتایج به دست آمد در پژوهش حاضر فرضیه فرعی پنجم نیز تأیید می شود. نتایج به دست آمده از بررسی این فرضیه با نتایج به دست آمده در پژوهش های پوروانتی و همکاران (۲۰۱۳) و سانجایا و یانگ (۲۰۱۲) سازگار است.

فرضیه فرعی اول بیانگر این بود که ایا: «بحران مالی شرکت بر افشای اطلاعات و مدیریت سود شرکت تاثیر دارد.» فرضیه اصلی دوم بیانگر این بود که ایا: «افشای اطلاعات بر مدیریت سود شرکت تاثیر دارد.» طبق نتایج به دست آمده از بررسی فروض فرعی پژوهش، فرضیه های اصلی پژوهش نیز تأیید می شود.

۶. منابع و مآخذ

۱. اعتمادی، حسین، امیرخانی، کورش و رضایی، محبت. (۱۳۹۰). "محتوای ارزشی افشای اجباری: شواهدی از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، (۱۳): ۲۵۲-۲۳۵.
۲. اعتمادی، حسین و خلیل پور، مهدی (۱۳۸۹). ارزیابی کیفیت افشاء اطلاعاتی با استفاده از رویکرد فازی.
۳. اعتمادی، حسین، ایمانی برندق، محمد (۱۳۸۶). "بررسی رابطه بین کیفیت سود و بازده سهام شرکت های پذیرفته شده بورس تهران"، دانشور رفتار، ش. ۲۶، ص ۶۱-۷۲.
۴. ایروانی، محمدجواد. (۱۳۷۴). "تحلیل و ارزیابی پیرامون اریشه ها و پیدایش تطورات ۲ پیش بینی تحولات در بازرگانی بین المللی و نظام پولی بین المللی در سالهای آتی، 3 بررسی کلان الحاق یا عدم الحاق ایران به Wto و استراتژی های پیشنهادی برای اقتصاد ایران"، تهران. مجله دانشگاه تهران، شماره ۲۹ و ۳۰.
۵. پور زمانی، زهرا، پویان راد، مهدی (۱۳۹۱). "ارتباط بین مدیریت سود و نانوانی مالی شرکتهای"، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره شانزدهم.
۶. حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۵). "حاکمیت شرکتی در ایران"، فصلنامه حسابرس، شماره ۳۹، ص ۳۲-۳۳.
۷. حاجیها، زهره (۱۳۸۴)، سقوط شرکت، علل لومراحل آن، مطالعه سیستم های قانون یورشکستگی در ایران و جهان، حسابرس، شماره ۲۹.
۸. خدابی پور، احمد، خورشیدی، علیرضا و شیرزاد، علی. (۱۳۹۲). "اثر کیفیت افشا بر انواع مدیریت سود"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۰ (۴): ۳۸-۲۱.
۹. دستگیر، محسن و حسینی، سید احسان. (۱۳۹۲). "مروری جامع بر مدیریت سود (بخش اول)"، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۲ (۷): ۱۹-۴.
۱۰. ستایش، محمدحسین و کاظم نژاد، مصطفی. (۱۳۸۹). "افشا در حسابداری"، ماهنامه حسابدار، (۲۲۷): ۶۹-۶۶.
۱۱. سینایی، حسنعلی و داودی، عبدالله. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه شفاف سازی اطلاعات مالی و رفتار سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات مالی، ۱۱ (۲۷): ۶۰-۴۳.
۱۲. شمسایی، وحید. (۱۳۹۲). "مدیریت سود و تقلی در گزارشگری مالی: تشخیص نقاط تمایز توسط حسابرسان"، مجله حسابرس، (۶۴): ۱۱۴-۱۰۶.
۱۳. مهدوی، غلامحسین و علیزاده طلائی، وحید. (۱۳۹۴). "بررسی رابطه ی بین راهبری شرکتی و سطح افشای اختیاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله ی پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، ۱۷ (۶۸): ۲۳۰-۲۰۳.
۱۴. ملانظری، مهناز. کریمی زند، ساناز (۱۳۸۶) فصلنامه بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ش ۴۷، صص ۸۳-۱۰۰.

۱۵. ناظمی، امین و نصیری، طاهره. (۱۳۹۴). "هزینه ها و منافع افشای اطلاعات"، ماهنامه حسابر، ۱۷ (۷۶): ۱۰۵-۱۰۰.

۱۶. نوروش، ایرج، حسینی، سید علی (۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین کیفیت افشاء (قابلیت اتکاء و به موقع بودن) و مدیریت سود"، بررسیهای حسابداری و حسابر، دوره ۱۶، شماره ۵۵، صفحه ۱۱۷ تا ۱۳۴.

۱۷. نوروش، ایرج، سیاسی، سحر و نیکبخت، محمدرضا. (۱۳۸۴). "بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، (۲): ۱۷۷-۱۶۵.

۱۸. ولی پور، هاشم، طالب نیا، قدرت الله، جوانمرد، سید علی (۱۳۹۲). "بررسی تاثیر مدیریت سود بر کیفیت سود شرکت های دارای بحران مالی"، مجله دانش حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۳، ص ۷۵ تا ۱۰۳.

۱۹. ولی زاده لاریجانی، زهرا؛ (۱۳۸۷) نتایج مدیریت واقعی سود، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا.

20. Abdel-Fattah T.M.H., (2008). Voluntary Disclosure Practices in Emerging Capital Markets: *The Case of Egypt, Durham University*, <http://etheses.dur.ac.uk/1342/1/1342>.
21. Akhtaruddin M., A.H. Monirul, H. Mahmud, and L.Yao, (2009). Corporate Governance and Voluntary Disclosure in Corporate Annual Reports of Malaysian Listed Firms, *Journal of Applied Management Accounting Research*, Vol. 7, No. 1.
22. Armitage S., and C. Marston, (2008). Corporate Disclosure, Cost of Capital and Reputation: Evidence from Finance Directors, *The British Accounting Review*, 40 (4): 314-336.
23. Bailey W., K.G. Andrew, and C. Salva, (2005). The Economic Consequences of Increased Disclosure: Evidence from International Cross-listings, *Journal of Financial Economics*, 81 (1): 175-213.
24. Bamber L.S., and Y.S. Cheon, (2008). Discretionary Management Earnings Forecast Disclosures: Antecedents and Outcomes Associated with Forecast Venue and Forecast Specificity Choices, *Journal of Accounting Research*, 36 (2): 167-190.
25. Bao Ben-Hsine and Da-Hsien Bao, (2004). Income smoothing, earnings quality and firm valuation. *Journal of business Finance & Accounting*, 31(9)&(10).
26. Bernard. Chazelle, (2007). Bush desolate imperium, www.cs.princeton.edu. P. 2.
27. Bhasin M.L., (2012). Voluntary Corporate Governance Disclosures: Evidence from a Developing Country, *Far East Journal of Psychology and Business*, 9 (2): 10-31.
28. Biddle, G.C., Mary, L.M and Song, F.M., (2010), Accounting Conservatism and Bankruptcy risk, WWW.SSRN.COM.
29. Biddle G. C, Hilary G, Verdi R. S. 2009. How does Financial Reporting Quality Improve Investment Efficiency? *Journal of Accounting And Economics* 48, Pp. 112-131.
30. Botosan C.A., and M. Stanford, (2005). Managers Motives to Withhold Segment Disclosures and the Effect of SFAS No. 131 on Analysts Information Environment, *Accounting Review*, 80 (3): 751-771.
31. Brian katulis, Lawtance J. Korb, Peter, Juul, (2007). *strategir reset reelainaing cartual of U.S. Security in the Middle East*.

32. Campbell D., Sh. Philip, and H. Bohmbach-Saager, (2013). Voluntary Disclosure of Mission Statements in Corporate Annual Reports: Signaling What and To Whom? *Business and Society Review*, 106 (1): 65-87.
33. Clarkson M.B.E. (2008). A Risk Based Model of Stakeholder Theory. The Centre for Corporate Social Performance & Ethics, University of Toronto. Retrieved May 14, 2004.
34. Diamond D.W., (2008). Optimal Release of Information By Firms, *Journal of Finance*, 40 (4): 1071-1094.
35. Dye R.A., (1985). Strategic Accounting Choice and the Effects of Alternative Financial Reporting Requirements, *Journal of Accounting Research*, 23 (2): 544-574.
36. Elizabeth. Becker, (2005). Current account trade deficit reaches Record \$195. 1billion, www.nytimes.com, p.1.
37. Elliott R.K., and P.D. Jacobson, (2008). Costs and Benefits of Business Information Disclosure, *Accounting Horizons*, 4 (8): 80-96.
38. Espinosa M., and M. Trombetta, (2007). Disclosure Interactions and the Cost of Equity Capital: Evidence from the Spanish Continuous Market, *Journal of Business Finance and Accounting*, 34 (9-10): 1371-1392.
39. Fareed Zakaria, (2006). Global Leadership, Can USA Compete? *Newsweek*, June 26th, p36.
40. Filip, Andrei, Raffournier, Bernard, (2013): Financial Crisis And Earnings Management: The European Evidence, *The European Evidence, The International Journal of Accounting*.
41. Francis J., N. Dhananjay, and P. Olsson, (2005). Voluntary Disclosure, Information Quality, and Cost of Capital, Duke University Working. Paper, http://www.researchgate.net/publication/4771099_Voluntary_Disclosure_Earnings_Quality_and_Cost_of_Capital.
42. Graham J.R., H. Campbell R., and Sh. Rajgopal, (2005). The Economic Implications of Corporate Financial Reporting, *Journal of Accounting and Economics*, 40 (1-3): 3-73.
43. Healy P., H. Amy, and K. Palepu, (2007). Stock Performance and Intermediation Changes Surrounding Sustained Increases in Disclosure, *Contemporary Accounting Research*, 16 (3): 485-520.
44. Healy P.M., and K.G. Palepu, (2007). Information Asymmetry, Corporate Disclosure, and the Capital Markets: A Review of the Empirical Disclosure literature, *Journal of Accounting and Economics*, 31 (1-3): 405-440.
45. Healy, P. and Palepu, K. (2007). The effect of firms financial disclosure strategies on stock prices. *Accounting Horizons*, 7 (1), 1-11.
46. Healy M.Paul and James M.Wahlen, (2009). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13(4).
47. Hsiu J. F. (2006). Effect of Financial Information Transparency on Investor Behavior in Taiwan Stock Market. *ProQuest Database*, 16(3), 6-22.
48. Jackson H.E. (2003). To What Extent Should Individual Investors Rely on the Mechanisms of Market Efficiency: A Preliminary Investigation of Dispersion in Investor Returns. *Journal of Corporation Law*, 28(4), 671- 689.
49. Kiattikulwattana, Prapaporn (2014): Earnings management and voluntary disclosure of management responsibility for the financial reports, *Asian Review of Accounting*, Vol. 22 Iss 3 pp. 233 ° 256.

50. Leuz Ch., and P. Wysocki, (2006). Capital-Market Effects of Corporate Disclosures and Disclosure Regulation, Research Study on behalf of the Task Force to Modernize Securities Legislation in Canada, <http://www.tfmsl.ca/docs/v2%282%29%20leuzwysocki>.
51. Lopez E., (2011). Voluntary Disclosure and the Cost of Equity Capital in the Netherland, Erasmus University Rotterdam.
52. Madhani, M. P. (2009). Role of voluntary disclosure and transparency in financial reporting. *The Accounting World*, 7(6), 63-66.
53. Vishwanath T., & Kaufmann D. (2001). Toward Transparency: New Approaches and their Application to Financial. *The World Bank Research Observer*, 16(1), 41-57.



Investigating the relationship between earnings management, disclosure of financial information and financial crisis in companies admitted to Tehran Stock Exchange

Sahba MollaZeinali¹
Nina MollaZeinali²

Date of Receipt: 2019/06/22 Date of Issue: 2019/07/22

Abstract

The present study seeks to investigate the relationship between earnings management, disclosure of financial information and financial crisis in companies admitted to Tehran Stock Exchange. In terms of purpose, this research is an applied research method, and the method and nature of the research is descriptive-correlative and comparative. The statistical population of the research is all companies accepted in Tehran Stock Exchange. For this purpose, the information of selected companies was collected from 1388 to 1393 and used to study the research hypotheses. The results confirm the assertion of all the hypotheses. Thus, the financial crisis of the company affects the management of profits in the company, the financial crisis of the company affects the management of profits in a company, the financial crisis of the company affects the disclosure of information in the company, disclosure of information on the company on the management of profits It has a real impact, disclosure of information on the company's management of profits is artificially affected. Therefore, the main hypotheses of the research have been confirmed and indicate that the financial crisis of the company affects the disclosure of information and the company's profit management. Disclosure of information affects corporate earnings management.

Keyword

Real-Profit Management, Fake Bid Management, Financial Crisis, Disclosure of Information.

1. Master in Accounting., ISLAMIC AZAD UNIVERSITY Eslamshahr Branch, Iran (Nmz111135@gmail.com)
2. Master in Accounting, ISLAMIC AZAD UNIVERSITY Oloum Tahghighat Branch, Iran

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی